

## نسب خلیفه نخست فاطمی از نگاه نسب‌شناسان

مهدی فرمانیان\*

سید علیرضا عالمی\*\*

### چکیده

گرچه نسب‌شناسان قبل از شکل‌گیری فاطمیان درباره نسل محمد بن اسماعیل به دلیل فعالیت زیرزمینی اسماعیلیان اطلاعات اندکی به دست می‌دهند، اما با برپایی حکومت فاطمیان در شمال آفریقا، نسب‌شناسان به نسب خلفای فاطمی توجه کردند و با اینکه خلفای عباسی نسب آنها را مخدوش می‌دانستند، اما همه نسب‌شناسان نسب خلفای فاطمی را پذیرفته‌اند و آنها را فرزندان محمد بن اسماعیل دانسته‌اند، ولی عمدتاً از اینکه نسب نخستین خلیفه فاطمی به کدام یک از فرزندان محمد بن اسماعیل می‌رسد طفره رفته‌اند و در این زمینه تشتت فراوانی دارند. بنابراین، نسب‌شناسان اصل نسب خلفای فاطمی را تأیید کرده، فاطمیان را از اولاد حضرت فاطمه (س) معرفی کرده‌اند، اما درباره اینکه از کدام فرزند محمد بن اسماعیل هستند توافقی میان آنها وجود ندارد.

کلیدواژه‌ها: نسب، فاطمیان، عبیدالله مهدی، نسب‌شناسان، محمد بن اسماعیل.

---

\* استادیار گروه مذاهب کلامی، دانشگاه ادیان و مذاهب؛ m.farmanian@urd.ac.ir

\*\* دانشجوی دکتری رشته تاریخ تشیع، مجتمع آموزش عالی امام خمینی (ره)

[دریافت مقاله: ۱۳۹۲/۰۶/۳۰؛ پذیرش: ۹۳/۱۱/۱۰]

## مقدمه

از دیرباز، درستی یا نادرستی انتساب خلفای فاطمی از مسائل بحث‌برانگیز تاریخی بوده است. هم‌زمان با حاکمیت فاطمیان (۲۹۷-۵۶۷ ه.ق.) در مصر و شمال آفریقا، مخالفان مذهبی ایشان، در رد نسب فاطمی تألیفاتی داشته‌اند (الندیم بغدادی، بی‌تا: ۲۳۸). عباسیان، به عنوان رقیبان سیاسی فاطمیان، نیز درصدد نفی نسب فاطمی ایشان بودند تا از نفوذ آنها در جهان اسلام بکاهند (ابن خلدون، ۱۴۰۸: ۳۰/۱).

ورود نویسندگان به مسئله نسب خلفای فاطمی، در طول تاریخ به جهت بازتاب‌های سیاسی و مذهبی آن، معمولاً بدون پیش‌فرض نبوده است. متکلمان، مورخان و فرقه‌شناسان از کسانی هستند که به مسئله نسب فاطمیان، توجه نشان داده‌اند. علاوه بر آن، در این خصوص تکنگرایی‌هایی در دوران معاصر انجام شده است؛ که از جمله می‌توان به پژوهشی با عنوان *فی نسب الخلفاء الفاطمیین* (نک: همدانی، ۱۹۵۸) و *الفاطمیون بین صحة النسب و تزویر التاريخ* (نک: القطب، ۱۴۲۳) اشاره کرد. این پژوهش‌ها مسئله نسب خلفای فاطمی را از منظرهای تاریخی، اجتماعی و سیاسی بررسی کرده‌اند.

پژوهش حاضر به صورت تخصصی از منظر نسب‌شناسان به این مسئله می‌پردازد که متخصصان فن نسب‌شناسی هستند و اگر این افراد نسب فاطمیان را تأیید کنند دیگر لزومی به بررسی خدشه دیگران نیست. نسب به صورت عام موضوع علمی است که عرب از دیرباز به آن اهتمام ویژه‌ای داشته است. علم انساب یکی از معدود علوم است که نزد عرب پیشینه‌ای کهن دارد. نسب‌نگاری در تمدن اسلامی با تألیفات بسیاری که در این عرصه صورت گرفت (نک: صفری و عالمی، ۱۳۹۰: ۴۳) به عنوان یکی از رشته‌های علمی ادامه حیات داد. ویژگی انساب‌پژوهی آن است که نسب افراد و خاندان‌ها فارغ از عقاید مذهبی، سیاسی و اجتماعی افراد، به نگارش درمی‌آید. زیرا موضوع و روش انساب‌نگاری چنین اقتضایی دارد. با وجود این، آثار نسب‌نگاران همواره از تأثیرپذیری‌های این‌چنینی برکنار نبوده است. به ویژه نسب افرادی که از منظر مناسبات سیاسی، اجتماعی و مذهبی مهم باشند. وانگهی برخی نسب‌شناسان در علوم دیگر مانند کلام نیز مهارت داشتند که در برخی موارد نظریات کلامی آنها در نتیجه فعالیت انساب‌نگاری آنها تأثیرگذار بود. یکی از آنها ابن حزم اندلسی است که علاوه بر

نسب‌شناسی، متکلم و فرقه‌شناس نیز بود. او در دیدگاه‌های کلامی خود تعصب بسیاری در خصوص اسماعیلیان نشان می‌دهد و اصولاً آنها را مسلمان به شمار نمی‌آورد (اندلسی، ۱۴۲۰: ۲۴۷/۱، ۳۶۹). از این رو، دیدگاه کلامی او بر آرای نسب‌شناسانه‌اش که از نظر روشی باید فقط بر جست‌وجوی نسب افراد مبتنی باشد، تأثیر مخرب گذاشته است.

با وجود آسیب‌های این چنینی فراروی انساب‌نگاری، این رشته علمی، در بازشناسی و بررسی نسب خلفای فاطمی و به طور مشخص خلیفه اول فاطمی اهمیت فراوانی دارد. پژوهش حاضر با روش اسنادی می‌کوشد سلسله نسب نیاکان خلیفه اول فاطمی، عبیدالله المهدی تا محمد بن اسماعیل را بررسی کند. در ابتدا آثار نسب‌شناسانی که اسامی دودمان محمد بن اسماعیل را قبل از به قدرت رسیدن فاطمیان در آثار خود آورده‌اند، پی‌گیری می‌شود. سپس آثار نسب‌شناسانی که هم‌زمان با حاکمیت فاطمیان تألیفات خود را در مسئله نسب خلیفه اول فاطمی به انجام رسانیده‌اند بررسی می‌شود و در نهایت به نسب‌شناسانی که پس از سقوط فاطمیان در مصر در این خصوص اظهار نظر کرده‌اند، پرداخته خواهد شد.

### نسب‌نگاران و دودمان محمد بن اسماعیل

پیش از شکل‌گیری خلافت فاطمیان در شمال آفریقا و مصر تعداد قابل توجهی کتاب درباره انساب نگاشته شد که برخی از آنها موجود است. از آن جمله می‌توان به کتاب‌های *جمهرة النساب* و *نسب معد و الیمن الکبیر* نوشته هشام بن محمد بن سائب کلبی (ف. ۲۰۷ ه.ق.)، *النساب* اثر ابو عبیده قاسم بن سلام (ف. ۲۲۴ ه.ق.)، *نسب قریش* اثر مصعب زبیری (ف. ۲۳۶ ه.ق.)، *انساب قریش و اخبارها*، اثر زبیر بن بکار (ف. ۲۵۴ ه.ق.)، *نسب آل ابی طالب* اثر یحیی بن حسن عقیقی عبیدلی (ف. ۲۷۷ ه.ق.)، *انساب الاشراف* اثر احمد بن یحیی بلاذری (ف. ۲۷۹ ه.ق.) و *الاکلیل* اثر حسن بن احمد همدانی (ف. ۳۳۴ ه.ق.) اشاره کرد.

از این تعداد فقط دو نسب‌نگار درباره فرزندان محمد بن اسماعیل، که فاطمیان به آنها منتسب‌اند، اظهار نظر کرده‌اند. مصعب زبیری (ف. ۲۳۶ ه.ق.) در *نسب قریش* از دو فرزند محمد بن اسماعیل به نام‌های جعفر و اسماعیل [که به اسماعیل ثانی معروف شد] گزارش داده است و بیش از این چیزی از خاندان محمد بن اسماعیل نگفته است.

همچنین برای عبدالله بن جعفر الصادق (ع) که طبق برخی گزارش‌ها، خلفای فاطمی نسب خود را به او باز می‌گرداندند (اندلسی، ۱۴۰۳: ۵۹)، فرزند پسری نام نبرده است (الزبیری، ۱۹۵۳: ۶۳-۶۴).

ابوالحسین یحیی بن حسن عقیقی عبیدلی (ف. ۲۷۷ ه.ق.) از نخستین نسب‌شناسانی است که در کتاب *نسب آل ابی طالب* به صورت اختصاصی به نسب فرزندان ابی‌طالب پرداخته است (طوسی، ۱۴۱۶: ۴۴۲؛ نجاشی، ۱۴۱۷: ۲۶۴) که قسمت‌هایی از آن با عنوان *المعقین من ولد امام امیر المؤمنین (ع)* به چاپ رسیده است. عقیقی در این کتاب مانند مصعب زبیری، جعفر و اسماعیل را فرزندان محمد بن اسماعیل به شمار آورده و یادآور شده که مادر این دو ام‌ولد بوده است (عقیقی، ۱۳۸۲: ۸۴). عقیقی بیش از این درباره دودمان محمد بن اسماعیل سخنی به میان نیاورده است.

بر این اساس، می‌توان گفت پیش از شکل‌گیری دولت فاطمیان در شمال آفریقا نسب‌نگاران فقط در خصوص یک نسل پس از محمد بن اسماعیل اظهار نظر کرده‌اند و درباره حداقل دو نسل از خاندان محمد بن اسماعیل تا عبدالله مهدی که می‌توانست در تألیفات آنها بازتاب پیدا کند، مطلبی درج نکرده‌اند. در حالی که برای مثال عقیقی (ف. ۲۷۷ ه.ق.) بخشی از حیات عبیدالله المهدی را درک کرده است. هرچند بیست سال قبل از تأسیس دولت فاطمی به دست عبیدالله المهدی، درگذشت.

### نسب‌نگاران زمان حکومت فاطمیان

چندین کتاب نسب‌شناسی در زمان حیات سیاسی فاطمیان (۲۹۷-۵۶۷ ه.ق.) نگاشته شده که در آنها از نسب خلفای فاطمی سخن به میان آمده است. از آن جمله می‌توان به ترتیب تاریخی کتاب‌های زیر را نام برد:

*سّر السلسله العلویة* اثر ابی نصر سهل بن عبدالله بخاری (ف. بعد از ۳۴۱ ه.ق.)، *تهذیب الانساب و نهایة الاعقاب* اثر محمد بن ابی جعفر عبیدلی (ف. ۴۳۵ ه.ق.)، *المجدی فی انساب الطالبیین* اثر علی بن محمد علوی، معروف به شریف عمری (ف. پس از ۴۴۳ ه.ق.)، *جمهرة انساب العرب* اثر ابن حزم (ف. ۴۵۶ ه.ق.)، *ابناء الامام فی مصر و شام* اثر یحیی بن طباطبا حسنی (ف. ۴۷۸ ه.ق.)، *لباب الانساب و الانقلاب و الاعقاب* اثر علی بن ابی القاسم بیهقی، معروف به ابن فندق (ف. ۵۶۵ ه.ق.)، *منتقلة الطالبیة* ابراهیم بن ناصر ابن

طباطبا (قرن ۵)، *الشجرة المباركة فی انساب الطالبية* اثر فخرالدین محمد بن عمر رازی (ف). ۶۰۶ ه.ق.، *الفخری فی انساب الطالبیین* اثر اسماعیل بن حسین مروزی ازورقانی (ف). بعد از ۶۱۴ ه.ق.).

ابونصر بخاری در *سّر السلسلة العلویة* از دو فرزند محمد بن اسماعیل به نام‌های اسماعیل و جعفر نام برده است (بخاری، ۱۴۱۳: ۳۵). دربارهٔ اعقاب اسماعیل بن محمد بن اسماعیل رأی به صحت نسب وی داده است، اما دربارهٔ اعقاب جعفر بن محمد بن اسماعیل با گفتن جمله «انا متوقف فی بقاء عقبه الیوم» دربارهٔ نسب آنها توقف کرده است، اما گفته است در زمان وی، جماعتی از اهل شام به جعفر بن محمد بن اسماعیل منتسب هستند. به گفتهٔ وی، حاکمان مصر (فاطمیان) منتسب به این شاخه و به طور مشخص علی بن محمد بن جعفر بن محمد بن اسماعیل هستند (همان: ۳۶). او بیش از این گزارشی دربارهٔ فرزندان محمد بن اسماعیل نداده است. از نسب‌شناسان دیگری که دربارهٔ نسب خلفای فاطمی اظهار نظر کرده ولی کتاب او در دسترس نیست و فقط بخش‌هایی از آن گزارش شده<sup>۱</sup> ابوالحسین محمد بن علی، معروف به اخو محسن (متوفی اواخر قرن چهارم) است؛ او که خود یکی از اعقاب محمد بن اسماعیل است<sup>۲</sup>، نسب عبیدالله مهدی، مؤسس فاطمیان، را به مردی غیرعلوی به نام عبدالله بن میمون القداح نسبت داده است. به گفتهٔ وی، عبیدالله مهدی مؤسس فاطمیان همان سعید بن حسین بن احمد بن عبدالله بن میمون قداح است (مقریزی، ۱۴۲۲: ۱۲۰/۱-۱۲۱). دیدگاه‌های اخو محسن در برخی تألیفات تاریخی انعکاس یافته است (نک: نویری، ۱۹۸۴: ۱۸۷/۲۵؛ ابن‌واصل، ۱۹۶۳: ۲۰۴/۱؛ بردی، ۱۳۷۵: ۲۲۹/۴).

از نسب‌شناسان معروف قرن چهارم و پنجم، محمد بن ابی جعفر عبیدلی (ف). ۴۳۵ ه.ق. است. او در کتاب نسب‌شناسی معروفش به نام *تهذیب الانساب و نهایة الاعقاب* از اعقاب محمد بن اسماعیل نام برده است. به گفتهٔ وی، محمد بن جعفر بن محمد بن اسماعیل بن جعفر الصادق (ع)، معروف به حبیب، پسرانی به نام‌های حسن (البغیض)، عبدالله، جعفر و اسماعیل داشت که در مغرب زندگی می‌کردند. او صحت نسب آنها را تأیید کرده، به ویژه از فراوانی نسل حسن البغیض گفته است. عبیدلی دربارهٔ اینکه عبدالله پسر محمد الحیب، که نامش جزء فرزندان محمد الحیب آمده، همان عبیدالله مهدی، خلیفهٔ اول فاطمی، باشد، اظهار نظر نکرده است (عبیدلی، ۱۴۱۳: ۱۷۳).

یکی از نسب‌شناسان هم‌عصر فاطمیان، علی بن محمد علوی، معروف به شریف عمری، مؤلف کتاب *المجلی فی انساب الطالبین* است. مروزی صاحب کتاب *الفخری فی انساب الطالبین* از شریف عمری با عنوان ابن صوفی یاد کرده است (مروزی ازورقانی، ۱۴۰۹: ۲۵). از محتوای کتاب *المجلی* برمی‌آید که او در دوران فاطمیان به مصر مسافرت کرده است. وی گزارش مبسوطی از پراکندگی فرزندان محمد بن اسماعیل، امام اسماعیلیان، ارائه کرده است. از قول استادش، محمد بن اسماعیل را امام میمونیه خوانده است (علوی، ۱۴۰۹: ۹۹). به گفته وی، محمد بن اسماعیل بزرگ‌تر از برادر دیگرش علی بود (همان: ۹۹). شریف عمری درباره دودمان علی بن اسماعیل در شهرهای مختلف گزارش داده است، از جمله به مجدالدوله که در مصر در زمان حیات مؤلف نقیب النقبای طالبیان بوده و کتاب نیز به نام او، *المجلی* مسمی شده، اشاره کرده است (همان: ۱۰۵). از مجموع گزارش‌های صاحب *المجلی* به دست می‌آید که محمد بن اسماعیل دو فرزند به نام‌های جعفر و اسماعیل داشته، صاحب *المجلی*، نسل اسماعیل که به اسماعیل ثانی معروف شده را در کوفه، اهواز، مصر و دمشق برشمرده که مهم‌ترین آنها خانواده اسبید جامه در کوفه و بنو متوف در دمشق هستند (همان: ۱۰۱-۱۰۴). گزارش‌های او درباره فرزندان جعفر بن محمد بن اسماعیل پراکنده است، اما می‌توان به این نتیجه رسید که نسل او از طریق فرزندش به نام محمد انتشار یافته است. محمد فرزندان متعددی داشت که همگی در مغرب و مصر می‌زیسته‌اند. این افراد نسبشان به شکل زیر است:

۱. عبدالله بن محمد من ولد محمد بن اسماعیل (به مغرب رفت و در همان‌جا درگذشت)؛ گرچه مؤلف نسب عبدالله بن محمد را متذکر نشده، ولی به نظر می‌رسد او از نسل جعفر باشد؛
۲. علی بن محمد بن جعفر بن محمد بن اسماعیل (ورود او به مصر در ۳۶۱ ه.ق. بوده است، همراه دو فرزندش حسین و جعفر)؛
۳. حسن بن محمد بن جعفر بن محمد بن اسماعیل (که فرزندانش به بنو بغیض شهرت یافتند)؛
۴. احمد (ابو الشلغلغ) بن محمد بن جعفر بن محمد بن اسماعیل؛
۵. جعفر بن محمد بن جعفر بن محمد بن اسماعیل؛
۶. اسماعیل بن محمد بن جعفر بن محمد بن اسماعیل (همان: ۱۰۰-۱۰۱).

بنابراین، شش تن از فرزندان محمد بن جعفر بن محمد بن اسماعیل بن جعفر الصادق (ع)، به نام‌های عبدالله، حسین، حسن، احمد، جعفر و اسماعیل به شمال آفریقا (مصر و مغرب) وارد شدند.

صاحب‌المجدی در خصوص نسب خلفای فاطمی اظهار نظر نکرده است، اما اشاره کرده که ائمه مصر و اقارب آنها از فرزندان محمد بن اسماعیل هستند، که خود وی آنها را در مصر و قاهره ملاقات کرده است، از جمله از شخصی به نام قاسم بن هارون بن قاسم بن امام القائم بن امام المهدی نام برده است (همان: ۹۹)، که منظورش از امام مهدی، عبیدالله مهدی و امام قائم، فرزندش محمد است.

به نظر می‌رسد شاخه محمد بن جعفر بن محمد بن اسماعیل بیشترین حضور را در مغرب و مصر داشته‌اند. گرچه کسانی از دودمان اسماعیل ثانی بن محمد بن اسماعیل بن جعفر الصادق (ع) و علی بن اسماعیل بن جعفر الصادق (ع) نیز در مصر حضور داشتند. ابراهیم بن ناصر ابن طباطبا، از نسب‌نگاران زیدی‌مذهب قرن پنجم است که در خصوص مهاجرت طالبیان به نقاط مختلف سرزمین‌های اسلامی کتابی با عنوان *منتقلة الطالبية* نوشته است. از کسانی که به گفته او به مغرب مهاجرت کرد، عبدالله بن محمد بن جعفر بن محمد بن اسماعیل بن جعفر الصادق بوده است (ابن طباطبا، ۱۳۸۸: ۲۸۶). این گزارش ابن طباطبا به گونه‌ای تکمیل‌کننده گزارش صاحب‌المجدی است که نام جد عبدالله را متذکر نشده بود. به گفته ابن طباطبا، عبدالله به مغرب رفت و در همان‌جا درگذشت (علوی، ۱۴۰۹: ۹۹). ابن طباطبا درباره اینکه آیا عبدالله همان عبیدالله مهدی است یا نه اظهارنظری نکرده است.

یکی از نسب‌شناسان سنی که در دوره زمانی حاکمیت فاطمیان می‌زیسته ابن حزم اندلسی (ف. ۴۵۶ ه.ق.) مؤلف *جمهرة انساب العرب* است. وی برخلاف نسب‌شناسان گذشته، به طور صریح درباره فاطمیان یا به گفته او بنی عبید اظهار نظر کرده است. طبق گزارش ابن حزم، بنی عبید در شروع امارتشان در مصر ادعا داشتند که نسب آنها به عبدالله بن جعفر الصادق (ع) می‌رسد. در حالی که عبدالله بن جعفر فقط دختری به نام فاطمه داشت (اندلسی، ۱۴۰۳: ۵۹).

ابن حزم از اعقاب محمد بن اسماعیل که در مغرب زندگی می‌کردند حسن البغیض را که از دودمان جعفر بن محمد بن اسماعیل است نام برده و مدعی شده که عبیدالله

(خلیفه اول فاطمی) در مغرب اظهار کرده که برادر حسن البغیض است و برای این ادعایش یکی از فرزندان بغیض را شاهد آورده؛ همچنین جعفر بن محمد بن حسین بن ابی‌الجن علی بن محمد الشاعر بن علی بن اسماعیل بن جعفر الصادق (ع) را شاهد درستی نسبش آورده است. ابن حزم گزارش دیگری هم درباره ادعاهای عبیدالله درباره نسبش ارائه کرده است. طبق این گزارش، عبیدالله خود را فرزند حسین بن محمد بن اسماعیل بن جعفر الصادق (ع) به شمار آورده، در حالی که به تعبیر ابن حزم این ادعایی مفتضحانه است. زیرا محمد بن اسماعیل هیچ‌گاه فرزندی به نام حسین نداشته و این دروغی فاحش است؛ چراکه چنین نسبی برای کسی که کمترین آگاهی از نسب دارد مخفی نمی‌ماند (همان: ۶۰-۶۱).

یکی از کتاب‌های نسب که به صورت اختصاصی به فرزندان ائمه (ع) در مصر و شام پرداخته کتابی است با عنوان *ابناء الامام فی مصر و الشام* نوشته یحیی بن طباطبا الحسنی (ف. ۴۷۸ ه.ق.). او دو فرزند به نام‌های جعفر الشاعر و اسماعیل برای محمد بن اسماعیل (امام اسماعیلیان) معرفی کرده و گفته فرزندان جعفر الشاعر در شام ساکن بودند و احتمالاً اسماعیلیان سلمیه از فرزندان جعفر باشند (الحسنی، ۱۹۹۷: ۸۴). بنا بر گزارش ابن طباطبای حسنی، جعفر فرزندی داشته به نام محمد الحیب که او نیز دو فرزند به نام‌های علی و حسن داشته است (همان: ۸۲). حسن، که بغیض خوانده می‌شد، تعداد زیادی در مصر به او منتسب بودند که بنو بغیض خوانده می‌شدند. از آن جمله، خلفای فاطمی هستند. او سلسله نسب نخستین خلیفه فاطمی را عبیدالله بن جعفر بن حسن بن حسن بن محمد الحیب بن جعفر بن محمد بن اسماعیل می‌داند. به گفته وی، معز فاطمی (معد بن اسماعیل) نخستین خلیفه از دودمان عبیدالله بود که در ۳۶۲ ه.ق. به مصر آمد (همان: ۸۴).

علی بن ابی‌القاسم بیهقی، معروف به ابن‌فندق (ف. ۵۶۵ ه.ق.) در کتاب *لباب الانساب و الالقاب و الاعتقبات* اطلاعات مختصری درباره دودمان محمد بن اسماعیل ارائه کرده است. ابن‌فندق که در واپسین سال‌های حکومت فاطمیان مصر از دنیا رفت در بخشی از کتابش با عنوان *غیر معقبین من الطالبیین* از اختلاف نظر درباره فرزندان جعفر بن محمد بن اسماعیل بن جعفر الصادق (ع) که به دلیل تولدش در مدینه‌السلام (بغداد) به سلامی مشهور بود، خبر داده است (بیهقی، ۱۴۱۰: ۴۶۵/۲-۴۶۶). مؤلف

همچنین از فراوانی جمعیت بنو بعیز (که در منابع دیگر بغیض آمده) یاد کرده و مدعی شده است آنها بیشتر در شام ساکن بودند. او بعیز را لقب «جعفر بن الحسن بن محمد بن جعفر بن محمد بن اسماعیل» دانسته است (همان: ۲۳۵/۱).

### نسب‌نگاران پس از فاطمیان

پس از انقراض حکومت فاطمیان در مصر، نسب‌نامه‌هایی درباره نسب آل ابی طالب نوشته شد که مهم‌ترین آنها کتاب‌های «الشجرة المباركة فی انساب الطالبيّة» تألیف فخررازی (ف. ۶۰۶ ه.ق.)، الفخری فی انساب الطالبيين، نوشته حسین بن اسماعیل مروزی (ف. بعد از ۶۱۴ ه.ق.)، الاصلی فی انساب الطالبيين اثر ابن طقطقی حسنی (ف. ۷۰۹ ه.ق.)، الانوار فی نسب آل النبی المختار، ابن کلبی غرناطی (ف. ۷۵۸ ه.ق.) بحر الانساب المسمی الثبت المصان بذکر سلاله سید ولد عدنان نوشته ابونظام واسطی (ف. ۷۸۷ ه.ق.)، نهاییه الارب فی معرفة انساب العرب اثر احمد بن علی قلقشندی (ف. ۸۲۱ ه.ق.)، عمدة الطالب فی انساب آل ابی طالب اثر ابن‌عنه (ف. ۸۲۸ ه.ق.)، النفحة العنبرية فی انساب خیر البرية اثر محمد کاظم بن ابی الفتوح الیمانی (قرن ۹)، انساب الطالبيين اثر حسین بن عبدالله، حسینی سمرقندی (ف. ۱۰۴۳ ه.ق.)، تحفة الازهار و زلال الانهار فی نسب ابناء الائمة الاطهار اثر ضامن بن شدقم الحسینی المدنی (زنده در سال ۱۰۹۰) است.

از نخستین نسب‌نگارانی که کتابش را پس از فروپاشی فاطمیان در مصر نوشته فخرالدین محمد بن عمر رازی (ف. ۶۰۶ ه.ق.) است. او در کتاب الشجرة المباركة فی انساب الطالبيّة مدعی است که نسل جعفر بن محمد بن اسماعیل فقط از طریق یکی از فرزندان به نام الحبيب [که همان محمد الحبيب است] ادامه یافته است. او گزارش می‌کند که حبيب پنج فرزند داشت که همگی از یک مادر بودند.

۱. حسن البغیض که دودمان او در مصر معروف به بنی بغیض هستند.
۲. عبدالله، ابو محمد المهدی، نخستین کسی که در مغرب ادعای خلافت کرد.
۳. احمد، معروف به ابی شلغلغ که اعقاب او در مغرب ساکن بودند.
۴. اسماعیل، که اعقابش در مغرب ساکن بودند.
۵. جعفر، که اعقابش در مغرب ساکن بودند (فخرالدین رازی، ۱۴۰۹: ۱۰۲).

فخر رازی از شهرستانی مؤلف *ملل و نحل* نقل می‌کند که چگونه محمد بن اسماعیل و فرزندان او در خفا و توأم با تقیه زندگی می‌کردند. به همین دلیل محمد بن اسماعیل، به میمون قداح، و اعقابش به الرضی، الوفی و التقی شهرت یافتند تا اینکه مهدی از دودمان وی در مغرب ظاهر شد و شهر مهدیه را بنیان نهاد. فخر رازی این نکته را هم یادآور شده که کسانی هستند که نسب مهدی به امام جعفر صادق (ع) را انکار می‌کنند و باطل می‌دانند و معتقدند او از اولاد میمون بن ریسان مجوسی است، اما خود فخر رازی نسب فاطمیان را تأیید می‌کند (همان: ۱۰۳).

پس از فخر رازی، اسماعیل بن حسین مروزی از زورقانی (متوفی بعد از ۶۱۴) کتابی با عنوان *الفخری فی انساب الطالبیین* تألیف کرد. به گفته وی، محمد بن اسماعیل بن جعفر الصادق (ع)، دو پسر به نام‌های جعفر السلامی و اسماعیل ثانی داشت. صاحب *الفخری*، احمد صاحب *الشامة*<sup>۳</sup> را، که با عبیدالله مهدی رقابت داشت، فرزند اسماعیل ثانی به شمار آورده است و از دودمان صاحب *الشامة* در شام و مصر نام برده است (مروزی ازورقانی، ۱۴۰۹: ۲۴).

جعفر السلامی یک فرزند داشت به نام محمد الحیب، که او دو فرزند داشت؛ یکی حسن بغیض یا حسن حیب، که در مصر ساکن بود، و دیگری عبدالله ابو محمد مهدی، که در مغرب ساکن بود. درباره اینکه آیا از عبدالله فرزندان باقی مانده است، اختلاف نظر است. طبق برخی گزارش‌ها او جد خلفای مصر است (همان: ۲۳-۲۴). بنابراین، نسب عبیدالله (عبدالله) مهدی بدین گونه است: عبدالله (عبیدالله) بن محمد الحیب بن جعفر السلامی بن محمد بن اسماعیل بن جعفر الصادق (ع).

*الفخری* فرزندان محمد بن جعفر را به حسن البغیض و عبدالله (= عبیدالله) مهدی منحصر کرده است (همان). در حالی که در کتاب‌های دیگر تعداد بیشتری فرزند برای محمد الحیب بن جعفر ذکر شده است؛ مثلاً شریف عمری در *المجدی* شش فرزند (علوی، ۱۴۰۹: ۱۰۰-۱۰۱) و فخر رازی در *الشجرة المباركة* پنج فرزند برای محمد الحیب بن جعفر ذکر کرده است. مروزی مؤلف *الفخری فی انساب الطالبیین* در حالی دو فرزند برای محمد الحیب گزارش کرده که هر دو کتاب را دیده و از آنها روایت کرده است. محمد بن تاج‌الدین، معروف به ابن طقطقی حسنی (ف. ۷۰۹ ه.ق.) مؤلف کتاب *الاصیلی فی انساب اللطالبیین* از نسب‌شناسان معروف است. او برای محمد بن اسماعیل

فرزندانی چون حسین، زید، عبدالله (که دو پسر به نام‌های احمد و علی داشته در حالی که نسب آنها درست نیست)، جعفر، که به بغیض معروف بود، و اسماعیل ثانی نام برده است (ابن طقطقی حسنی، ۱۴۱۸: ۱۹۹).

اسماعیل ثانی چهار فرزند به نام‌های، علی، یحیی، محمد و احمد داشت. احمد دو فرزند به نام‌های حسین الممتوف و اسماعیل الثالث داشت. حسین ممتوف فرزندی به نام اسماعیل نقیب داشت که به معتوق معروف بود. موسی، فرزند وی که نقیب شهر دمشق بود، از کسانی است که به درخواست قادر عباسی به عدم اصالت نسب خلفای فاطمی مصر شهادت داد (همان: ۲۰۰). به گفته وی، اسماعیل ثالث سه فرزند به نام‌های محمد، حسین (معروف به حماقات) و احمد (معروف به عاقلین) داشت. احمد بن اسماعیل الثالث پدر عبیدالله المهدی خلیفه اول فاطمی است. گفته شده که عبیدالله در ۲۶۰ ه.ق. در بغداد به دنیا آمد. برخی گفته‌اند او در سلمیه به دنیا آمده است (همان: ۲۰۱).

طبق گفته ابن طقطقی، نسب عبیدالله چنین است: عبیدالله بن احمد بن اسماعیل الثالث بن احمد بن اسماعیل الثانی بن محمد بن اسماعیل بن جعفر الصادق (ع). اگر این نسب‌نامه عبیدالله مهدی با نسب‌نامه صاحب الفخری مقایسه شود، عبیدالله از فرزندان احمد بن اسماعیل ثانی خواهد بود که به زعم صاحب الفخری همان صاحب الشامه است؛ که به نظر می‌رسد از نظر تاریخی درست نباشد؛ چراکه بر اساس منابع تاریخی صاحب الشامه هم‌عصر عبیدالله مهدی بود؛ همان کسی که رقابتش با عبیدالله مهدی در درون فرقه اسماعیلیه باعث شد عبیدالله از سلمیه به شمال آفریقا بگریزد (نک: طبری، ۱۳۶۸: ۱۰/۱۰۰؛ دفتری، ۱۳۷۵: ۱۵۶).

از دیگر کتب انساب، که در قرن هشتم نوشته شده، *الانوار فی نسب آل النبی المختار* از محمد بن محمد کلبی غرناطی (ف. ۷۵۸ ه.ق.) است. او در این کتاب یک بار از عبیدالله مهدی نام برده است. اما به نظر می‌رسد گزارش او بسیار دور از واقعیت باشد. او درباره فرزندان امام صادق (ع) چنین می‌نویسد:

وله من اولاد سبعة، اعقب منهم خمسة نفر احدهم موسی الکاظم، والسید اسماعیل الاعرج، والسید علی العریضی والسید محمد دیباج و سید اسحاق الموتمن و سید عبیدالله الشیعی صاحب مصر (کلبی غرناطی، ۱۴۳۱: ۸۸).

کاملاً واضح است که عبیدالله مهدی بلاواسطه فرزند امام صادق (ع) نیست. به نظر می‌رسد منظور از آخرین فرزند امام صادق (ع) که در گزارش او آمده، عبدالله (افطح) باشد که طبق برخی گزارش‌ها عبیدالله مهدی نسبت خود را به او رسانیده است (دفتری، ۱۳۷۵: ۱۲۹). گذشته از آن، عبیدالله را صاحب مصر دانسته، در صورتی که او در مغرب درگذشت و هیچ‌گاه در مصر حاکمیت نیافت.

عبیدالله الواسطی (ف. ۷۸۷ ه.ق.) در بحر الانساب، المسمى الثبت المصان بذکر سلاله سید ولد عدنان گزارش مبسوطی در این باره ارائه کرده است، به گفته وی، محمد بن اسماعیل دو فرزند به نام‌های اسماعیل (ثانی) و جعفر الشاعر داشت. فرزندان اسماعیل ثانی در دمشق، مغرب و مصر می‌زیسته‌اند (الواسطی، ۱۴۳۳: ۱۲۵/۱-۱۲۸). جعفر الشاعر فرزندی داشت به نام محمد، که بدو حبیب می‌گفتند، و او دو فرزند داشت یکی حسن، معروف به البغیض؛ و دیگری عبدالله، که در مغرب زندگی می‌کرد. برخی هم گفته‌اند بغیض لقب حسن نبوده، بلکه لقب فرزندش جعفر بوده است. بنو بغیض یا بنی‌بغیض در مصر فراوان بودند (همان: ۱۲۹/۱). مؤلف بحر الانساب نیز در کنار علی [برادر عبیدالله مهدی] از ابوالشعلع، جعفر و اسماعیل، فرزندان محمد بن جعفر بن محمد بن اسماعیل بن صادق (ص)، در مغرب یاد کرده است. مؤلف درباره خلفای فاطمی در مصر و مغرب و رد نسب آنها توسط خلافت عباسی سخن گفته است. همچنین قطعه شعر سید رضی نقیب سادات، در تأیید نسب فاطمیان را آورده است.

ما مقامی علی الهوان و عندی	مقول مصارم و انف حمی
احمل الضیم فی بلاد الاعادی	و بمصر الخلیفة العلوی
من ابوه ابی و من جده جدی	اذا ضامنی البعید القصی

(همان: ۱۳۱/۱-۱۳۲).

او به شرح حال مختصری از نخستین خلیفه فاطمی پرداخته است. به گفته وی، ابو محمد عبدالله المهدی در سجلماسه مغرب در ۲۷۶ ه.ق. ظهور کرد و شهر مهدیه را ساخت. او فرزند محمد بن جعفر بن محمد بن اسماعیل بن صادق (ع) است (همان: ۱۳۳/۱).

مؤلف از دودمان علی بن اسماعیل بن جعفر الصادق (ع)، که در دمشق و پس از آن در مصر زندگی می‌کردند، یاد کرده است و به طور مشخص از دو شخصیت برجسته

این خاندان با اسامی فخرالدوله و مجدالدوله، که در مصر منصب نقابت داشتند، سخن به میان آورده است (همان: ۱۳۴/۱-۱۳۵).

ابن عنبه، احمد بن علی الحسینی (ف. ۸۲۸ ه.ق.)، در *عمدة الطالب فی انساب آل ابی طالب* که از کتاب‌های شناخته‌شده در نسب آل ابی‌طالب است، بخشی را به فرزندان محمد بن اسماعیل اختصاص داده است (ابن‌عنبه، ۱۴۱۷: ۲۱۵-۲۲۶). وی از فرزندان محمد بن اسماعیل در مصر به طور مشخص از بنو بغیض، که به گفته او جعفر بن حسن بن محمد بن جعفر بن محمد بن اسماعیل است، نام برده؛ همچنین چهار نفر به نام‌های احمد ابوالشلع، جعفر و اسماعیل و علی در مغرب می‌زیستند (همان: ۲۱۵). ابن‌عنبه بزرگان اعقاب اسماعیل ثانی بن محمد بن اسماعیل را نیز در حله عراق، دمشق، مصر و مغرب برشمرده است (همان: ۲۲۰-۲۲۱). وی بعد از بیان دیدگاه ابونصر بخاری که درباره نسب حاکمان مصر توقف کرده است، و همچنین بیان نظر ابن طباطبا، گزارش کوتاهی از سعی عباسیان در نفی نسب آنها و واکنش سید رضی به آن ارائه کرده است (همان، ۱۴۱۷: ۲۱۷). پس از آن بخشی را با عنوان «اخبار العبیدیین او ائمه الاسماعیلیة بمصر» به نسب خلفای اسماعیلی اختصاص داده است. ابن‌عنبه دو قول را درباره نسب عبیدالله مهدی آورده است. به گفته وی، برخی روایات او را فرزند محمد الحیب بن جعفر بن محمد بن اسماعیل دانسته‌اند و طبق روایات دیگر او فرزند جعفر البغیض یعنی جعفر بن حسن بن حسن بن محمد بن جعفر الشاعر بن محمد بن اسماعیل است (همان: ۲۱۷-۲۱۸). مؤلف، مدعیان این دو قول را متذکر نشده، در پی آن نسب عبیدالله مهدی تا العاضد فاطمی، آخرین خلیفه فاطمی را برشمرده است. وی ابوالقاسم محمد القائم، دومین خلیفه فاطمی را، فرزند عبیدالله مهدی دانسته است (همان: ۲۱۸).

احمد بن علی قلقشندی، در *نهاية الارب فی معرفة انساب العرب* نسب عبیدالله را عبیدالله المهدی بن محمد الحیب بن جعفر المصدق بن محمد مکتوم بن اسماعیل الامام بن جعفر الصادق (ع) دانسته است. او نخستین نسب‌شناسی است که القاب نیاکان نخستین خلیفه فاطمی را هم متذکر شده است. قلقشندی به ایرادهایی که بر نسب فاطمیان وارد شده نیز اشاره کرده است (قلقشندی، ۱۳۹۷: ۱۴۰).

محمد کاظم بن ابی الفتوح الیمانی (قرن نهم) در *النفحة العنبریة فی انساب خیر البریة*، به صورت خلاصه فقط خلیفه اول فاطمی را عبیدالله المهدی، بن محمد الحیب

بن جعفر بن محمد بن اسماعیل بن جعفر معرفی کرده است (الیمانی الموسوی، ۱۳۷۷: ۵۴). حسین بن عبدالله، حسینی سمرقندی (ف. ۱۰۴۳ ه.ق.)، در کتابش با عنوان *انساب الطالبیین* نیز عبیدالله را فرزند محمد بن جعفر بن محمد بن اسماعیل دانسته است (حسینی سمرقندی، بی تا: ۱۰۸).

یکی از آخرین کتاب‌های نسب، که به صورت مبسوط به نسب فرزندان ائمه (ع) پرداخته *تحفة الازهار و زلال الانهار فی نسب ابناء الائمة الاطهار* نوشته ضامن بن شدقم الحسینی المدنی (زنده در ۱۰۹۰ ه.ق.) است. این کتاب از نظر ساختار، ترتیب و چینش مطالب در بین کتاب‌های نسب منحصر به فرد است. او در معرفی انساب افراد به ترتیب برای نسل‌های مختلف از اصطلاحات الاصل، الایکه، السبط، الدوحه، الغصن، القضیب و الفن استفاده کرده، که به شناخت نسب افراد و جایگاه آنها در هر خانواده کمک فراوانی کرده است. مؤلف، بخش مبسوطی را به فرزندان محمد بن اسماعیل اختصاص داده است (الحسینی المدنی، ۱۴۲۰: ۷۲/۲-۹۱). به گفته وی، محمد بن اسماعیل فرزندی داشت به نام جعفر که او فرزندی داشت به نام محمد الحیب که دارای شش پسر به نام‌های علی، حسن البعیص، عبیدالله [مهدی]، اسماعیل، جعفر و احمد بود (همان: ۸۰/۲). سپس به معرفی دودمان این شش نفر پرداخته، از این میان بخش مبسوطی را به عبیدالله مهدی و فرزندان او اختصاص داده است (همان: ۸۲/۲-۹۱). او خلیفه اول فاطمی را عبیدالله (عبدالله) بن محمد الحیب بن جعفر الشاعر بن محمد بن اسماعیل معرفی کرده است (همان: ۸۲/۲).

### نتیجه

تعداد نسب‌شناسانی که پیش از تشکیل حکومت فاطمیان در مغرب، درباره نسب عبیدالله مهدی نخستین خلیفه فاطمی تا اسماعیل بن جعفر الصادق (ع) اظهار نظر کرده‌اند، معدود است. به نظر می‌رسد از منابع موجود مصعب زبیری در نسب قریش و عقیقی عبیدلی در نسب آل ابی طالب از دو فرزند محمد بن اسماعیل یاد کرده است. اما درباره فرزندان آنها گزارشی ارائه نکرده است.

پس از شکل‌گیری فاطمیان در شمال آفریقا، ابونصر بخاری نخستین نسب‌شناس معروفی است که درباره نسب خلفای فاطمی مصر اظهار نظر کرده است. به گفته وی، حاکمان مصر (فاطمیان) منتسب به علی بن محمد بن جعفر بن محمد بن اسماعیل

هستند. بعید به نظر می‌رسد که ابونصر بخاری از مطالبی که ابن‌رزاق در اوایل قرن چهارم در رد نسب خلفای فاطمی نوشته، آگاهی نداشته باشد. با وجود این، از آن یادی نکرده است. عبیدلی و صاحب‌المجادی به طور مشخص نسب خلیفه اول فاطمی را متذکر نشده‌اند؛ اما به نظر می‌رسد آنها می‌خواهند او را با عبدالله بن محمد الحیب یکی بدانند. به همین ترتیب ابن‌طباطبا در *منتقله الطالبیه* فقط گزارش کوتاهی از مهاجرت عبدالله بن محمد بن جعفر بن محمد بن اسماعیل به مغرب نقل کرده؛ اما از اینکه او کیست و آیا همان عبیدالله مهدی است، سخنی به میان نیاورده است.

ابن‌حزم اندلسی به دلیل اظهارات متناقض عبیدالله درباره نسبش، درصدد نفی نسب او برآمده است. ابن‌طباطبای حسنی، خلفای فاطمی را منتسب به بنو بغیض، یعنی نسل حسن بن محمد الحیب، دانسته است.

فخر رازی، نخستین نسب‌شناس پس از فروپاشی فاطمیان در مصر، عبیدالله المهدی را یکی از فرزندان محمد الحیب شمرده است. او از زندگی مخفیانه فرزندان محمد به اسماعیل سخن گفته، از همین روی فرزندان او با نام‌های الرضی، الوفی و التقی شهرت یافتند. مروزی طبق گزارشی نسب خلیفه اول فاطمی را عبدالله، (عبیدالله) بن محمد الحیب بن جعفر السلامی بن محمد بن اسماعیل بن جعفر الصادق (ع) می‌داند.

ابن‌طقطقی حسنی، نسبی را برای خلیفه اول فاطمی در نظر می‌گیرد که پیش از او نسب‌شناس دیگری مدعی آن نشده بود. او نسل عبیدالله را به اسماعیل ثانی باز می‌گرداند. به گفته وی، عبیدالله مهدی، فرزند احمد بن اسماعیل الثالث بن احمد بن اسماعیل الثانی بن محمد بن اسماعیل بن جعفر الصادق (ع) است.

گزارش ابن‌کلبی غرناطی، به دلیل اشتباه‌های تاریخی محرز که در آن عبیدالله را فرزند بلافضل امام صادق (ص) دانسته، مهم نیست. عبیدالله واسطی نیز قولی را که خلیفه اول فاطمی را فرزند محمد الحیب به حساب آورده نقل کرده است. ابن‌عنه دو قول را درباره نسب عبیدالله مهدی آورده است. بنا بر گزارش وی، برخی روایات او را فرزند محمد الحیب بن جعفر بن محمد بن اسماعیل دانسته‌اند و طبق روایات دیگر او فرزند جعفر البغیض، یعنی جعفر بن حسن بن حسن بن محمد بن جعفر الشاعر بن محمد بن اسماعیل، است. قلقشندی و ابن‌ابی‌الفتوح یمانی و حسینی سمرقندی و ابن‌شدم حسینی، عبیدالله مهدی را فرزند محمد الحیب بن جعفر بن محمد بن اسماعیل دانسته‌اند.

مقایسه گزارش‌های نسب‌شناسان دوران حکومت فاطمیان و نسب‌شناسان پس از فروپاشی فاطمیان نشان می‌دهد که نسب‌شناسان دوران اقتدار فاطمیان، در مجموع تمایل زیادی نشان نداده‌اند که به وضوح نسب شخص عبیدالله مهدی را متذکر شوند. مگر اینکه درصدد نفی نسب او برآمده باشند. اما از محتوای گزارش‌های آنها استفاده می‌شود که آنها سعی در معرفی فرزندان محمد الحبيب بن جعفر بن محمد بن اسماعیل دارند که عمدتاً در شمال آفریقا و مصر زندگی می‌کردند، که یکی از آنها عبدالله است.

اما نسب‌شناسان پس از دوران فاطمیان همگی کوشیده‌اند نسب شخص عبیدالله مهدی را متذکر شوند. غیر از یکی دو نسب‌شناس، عمده آنها عبیدالله (عبدالله) مهدی را فرزند محمد الحبيب به شمار آورده‌اند.

اینکه چرا نسب‌شناسان در دوره اقتدار فاطمیان به طور مشخص به نسب او اشاره نکرده‌اند اما نسب‌نگاران پس از اضمحلال فاطمیان در مصر، مشخصاً نسب او را متذکر شده‌اند شاید به دلیل اقتدار عباسیان و اختلافات سیاسی میان عباسیان به عنوان خلفای معتبر جهان اسلام و فاطمیان به عنوان رقیب اصلی عباسیان باشد، اما مهم آن است که اغلب نسب‌شناسان نسب خلفای فاطمی را پذیرفته‌اند و آنها را فرزند حضرت فاطمه (س) می‌دانند و انکار نسب خلفای فاطمی توسط خلفای عباسی باعث نشده است. نسب‌شناسان از علم خود دست بردارند و پیرو سیاست‌های خلفای عباسی شوند. بنابراین، باید پذیرفت که خلفای فاطمی از سادات و دارای نسبی علوی و فاطمی بوده‌اند و تردید برخی مخالفان متعصب و سیاسیون خدشه‌ای به نسب فاطمیان وارد نمی‌کند، اگرچه افکار آنها مورد تأیید ما نباشد، اما نباید از حق گذشت و حقیقت را انکار کرد. باید به نسب‌شناسان مراجعه کرد و در این زمینه استفسار کرد که همگی نسب فاطمیان را تأیید کرده و آنان را فاطمی می‌دانند.

### پی‌نوشت‌ها:

۱. اینکه موضوع اصلی کتاب او چه بوده است معلوم نیست.
۲. مقریزی اخو محسن را این‌گونه معرفی می‌کند: محمد بن علی بن حسین بن احمد بن اسماعیل بن محمد بن اسماعیل بن جعفر (ع) (مقریزی، ۱۴۲۲: ۱۱۸/۱).
۳. صاحب‌الشامه در ۲۹۰ ه‍.ق. به سلمیه، مقر عبیدالله مهدی که در آنجا ادعای امامت کرده بود، حمله کرد و آنجا را متصرف شد.

## منابع

- ابن خلدون (۱۴۰۸). *تاریخ ابن خلدون*، بیروت: دار الفکر.
- ابن طباطبا، ابراهیم بن ناصر (۱۳۸۸). *منتقلة الطالبیة*، نجف: مطبعة الحیدریة.
- ابن عنیه (۱۴۱۷). *عمدة الطالب فی انساب آل ابی طالب*، قم: مؤسسه انصاریان.
- ابن کثیر، اسماعیل بن عمر (۱۴۰۷). *البدایة و النهایة*، بیروت: دارالفکر.
- ابن واصل، محمد بن سالم (۱۹۶۳). *مفرج الکروب فی اخبار بنی ایوب*، قاهره.
- ابن طقطقی حسنی، محمد بن تاج الدین (۱۴۱۸). *الاصیلی فی انساب الطالبیین*، قم: کتاب‌خانه مرعشی نجفی.
- اندلسی، ابن حزم (۱۴۰۳). *جمهرة انساب العرب*، بیروت: دار الکتب العلمیة.
- اندلسی، ابن حزم (۱۴۲۰). *الفصل فی الملل و الاواء و النحل*، بیروت: دارالکتب العلمیة.
- بخاری، ابی نصر (۱۴۱۳). *سر السلسلۃ العلویة*، قم: انتشارات شریف رضی.
- بردی، یوسف ابن تغری (۱۳۷۵). *التجوم الزاهرة*، قاهره: دارالکتب المصریة.
- بیهقی (ابن فندق)، علی بن ابی القاسم (۱۴۱۰). *لباب الانساب و الالقاب و الاعتقاب*، قم: کتاب‌خانه مرعشی نجفی.
- الحسنی، یحیی بن طباطبا (۱۹۹۷). *اربع مخطوطات فی انساب اهل البیت: ابناء الامام فی مصر و الشام*، دمشق: دارالکتان.
- الحسینی المدني، ضامن بن شدقم (۱۴۲۰). *تحفة الازهار و زلال الاتهار فی نسب ابناء الائمة الاطهار*، تهران: دفتر نشر میراث مکتوب.
- حسینی سمرقندی، حسین بن عبدالله (بی تا). *انساب الطالبیین*، قاهره: مکتبۃ الثقافة الدینیة.
- دفتری، فرهاد (۱۳۷۵). *تاریخ و عقاید اسماعیلیه*، ترجمه: فریدون بدره‌ای، تهران: فرزاد روز.
- الزبیری، مصعب (۱۹۵۳). *نسب قریش*، بی جا: دار المعارف.
- سمعانی، عبدالکریم بن محمد (۱۳۸۲). *الانساب*، هند، حیدرآباد دکن، دایرة المعارف العثمانیة.
- صفری، نعمت‌الله؛ عالمی، سید محمدرضا (۱۳۹۰). «کتاب‌شناسی انساب‌نگاری اسلامی تا قرن هفتم»، در: *فصل‌نامه سخن تاریخ*، ش ۱۵، ص ۴۳-۷۵.
- طبری، محمد بن جریر (۱۳۶۸). *تاریخ طبری*، بیروت: دار التراث، ج ۱۰.
- طوسی، محمد بن حسن (۱۴۱۶). *فهرست*، قم: مؤسسه النشر الاسلامی.
- العبدلی، محمد بن جعفر (۱۴۱۳). *تهذیب الانساب و نهایة الاعتقاب*، قم: کتاب‌خانه مرعشی نجفی.
- عقیقی، یحیی بن حسن (۱۳۸۲). *المعقبین من ولد امیر المؤمنین*، قم: کتاب‌خانه مرعشی نجفی.
- علوی، علی بن محمد (۱۴۰۹). *المجدی فی انساب الطالبیین*، قم: کتاب‌خانه مرعشی نجفی.
- فخرالدین رازی، محمد بن عمر (۱۴۰۹). *الشجرة المبارکة فی انساب الطالبیة*، قم: کتاب‌خانه مرعشی نجفی.
- القطب، محمد علی (۱۴۲۳). *الفاطمیون بین صحة النسب و تزویر التاریخ*، بیروت: المکتبۃ العصریة.
- قلقشندی، احمد بن علی (۱۳۹۷). *نهایة الارب فی معرفة انساب العرب*، بیروت: دار الکتب العلمیة.

- کلبی غرناطی، محمد بن محمد (١٤٣١). *الانوار فی نسب آل النبی المختار*، قم: کتاب‌خانه مرعشی نجفی.
- مروزی ازورقانی، اسماعیل بن حسین (١٤٠٩). *الفخری فی انساب الطالبیین*، قم: کتاب‌خانه مرعشی نجفی.
- مقریزی، احمد بن علی (١٤٢٢). *اتعاظ الحنفا باخبار ائمة الفاطمیین الخلفا*، بیروت: دارالکتب العلمیه.
- نجاشی، ابوالعباس احمد بن علی (١٤١٧). *رجال*، قم: مؤسسه النشر الاسلامی.
- التدیم بغدادی، محمد بن اسحاق (بی‌تا). *فهرست ابن ندیم*، بی‌جا: بی‌نا.
- نویری، احمد بن عبدالوهاب (١٩٨٤). *نهاية الارب فی فنون الادب*، قاهره: بی‌نا.
- الواسطی، عبیدالله (١٤٣٣). *بحر الانساب*، بیروت: مؤسسه البلاغ.
- همدانی، حسین (١٩٥٨). *فی نسب الخلفاء الفاطمیین*، قاهره.
- الیمانی الموسوی، محمد کاظم بن ابی الفتوح (١٣٧٧). *النفحة العنبریة فی انساب خیر البریة*، قم: کتاب‌خانه مرعشی نجفی.